

حمیدرضا پگاه، بازیگر سینما و تلویزیون:

یاد «مدافعان حرم» را زنده نگه داریم

حمیدرضا پگاه، هنرپیشه تلویزیون و سینما گفت: خوشحالم که به خاطر زحمات، جانفشانی‌ها و حضور مدافعان حرم برای امنیت ما جشنواره مدافعان حرم برگزار می‌شود. به گزارش فارس، پیام حمیدرضا پگاه به جشنواره فیلم مدافعان حرم چنین است: «میدوارم با برگزاری این جشنواره، از مدافعان حرم سپاسگزاری کنیم. باید به مدافعان حرمی که برای این مرز و بوم از جانشان می‌گذرد نگاه جدی‌تری شود. خوشحالم که به خاطر زحمات، جانفشانی‌ها و حضور آنها برای امنیت ما این جشنواره برگزار می‌شود. امیدوارم که بتوانیم با برگزاری جشنواره مدافعان حرم یاد آنها را زنده نگه داریم و اندکی از آنها سپاسگزاری کرده باشیم. در نهایت امیدوارم با عجله، برگزاری جشنواره را خراب نکنیم و به آن عمق بدهیم.»

■ ■ ■

پیشنهادی برای دوری از فضای مجازی

رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران گفت: عمده فعالیت‌های فرهنگی شهرداری برای این است که جوانان را با فضاهای فرهنگی مشغول و از فضای مجازی دور کنیم. به گزارش فارس، محمود صلاحی، رئیس سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران در مراسم اختتامیه نخستین نمایشگاه فرهنگ و هنر تهران» گفت: هدف اصلی از برگزاری نمایشگاه فرهنگ و هنر این بود که مردم تاریخچه سازمان فرهنگی و هنری را در یک فضای شفاف و در قالب هنر ببینند. صلاحی اضافه کرد: سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران با تدبیر مقام معظم رهبری ایجاد شد که متشکل از هیأت امنای بسیار ارزشمند از دولت، روحانیت، نخبگان و شهرداری تهران است که ایجاد آن حرکت بسیار مثبتی بود و امیدواریم بتوانیم در این راه مثمرتر باشیم. وی با بیان اینکه باید تلاش کنیم مردم شهر بویژه جوانان را به فعالیت‌های فرهنگی مشغول کنیم، گفت: عمده فعالیت‌های فرهنگی شهرداری برای این است که جوانان را با فضاهای فرهنگی مشغول و از فضای مجازی دور کنیم.

داوران نخستین جشنواره فیلم مدافعان حرم معرفی شدند



از سوی دبیر نخستین جشنواره فیلم مدافعان حرم، داوران این جشنواره معرفی شدند. به گزارش فارس، حمید یادروج، دبیر نخستین جشنواره فیلم مدافعان حرم طی احکامی جداگانه ابراهیم حاتم‌کیا، علیرضا رضاداد، مسعود دهنمکی، مصطفی رزاق کریمی و محمد خزاعی را به عنوان داوران جشنواره معرفی کرد. نخستین دوره جشنواره فیلم مدافعان حرم به دبیری حمید یادروج در ۲ بخش مستند و نمایشگ به همت خیرگزاری فارس و با همکاری موسسه فرهنگی - هنری کتیبه نوای فاطمی از هشتم تا دهم خردادماه ستایل جاری بر گزار می‌شود.

■ ■ ■

تجدید چاپ کتاب مر حوم آقاسی در یازدهمین سالگرد عروج

یازدهمین سالگرد عروج مرحوم محمدرضا آقاسی با عنوان «لداده‌ای درآشنا» روز پنجشنبه ۶ خردادماه برگزار می‌شود. به گزارش فارس، «لداده‌ای درآشنا» عنوان برنامه‌ای است که به مناسبت یازدهمین سالگرد عروج مرحوم محمدرضا آقاسی تدارک دیده شده است. براساس این گزارش، این مراسم روز پنجشنبه ششم خردادماه جاری در بهشت زهرا(س)، قطعه ۲۵ و از ساعت ۱۸ آغاز می‌شود. در این مراسم شعرانی چون یوسفعلی میرشکاک و نادر بختیاری شعر خوانی می‌کنند و سعید قاسمی و جمعی از مسؤولان سپاه نیز حضور خواهند داشت. این مراسم از سوی دفتر گردآوری و تدوین آثار این شاعر مهیا شده است. همزمان با یازدهمین سال درگذشت مرحوم محمدرضا آقاسی، مجموعه اشعار این شاعر بزرگ تجدید چاپ شد. علی‌صفر بهمن‌نیا، مدیر انتشارات «نارگل» با اعلام این خبر گفت: کتاب «مر مدار عشق» سرود شاعر اهل بیت مرحوم محمدرضا آقاسی پس از ۴ سال توقف انتشار، دوباره منتشر می‌شود. وی افزود: چاپ چهارم این کتاب در مراسم سالگرد این شاعر آیینی رونمایی می‌شود. پیش از این ۳ چاپ از این کتاب به صورت ناشر مولف منتشر شده بود که چاپ چهارم این کتاب در مراسم سالگرد مرحوم آقاسی رونمایی خواهد شد.

محمدرضا کردلو: چند روز پیش در مراسم نکوداشت حمید سبزواری، هر یک از سخنرانان بحق و به انصاف او را «پدر شعر انقلاب» می‌نامیدند. در آن جلسه حرف‌های نوبی درباره آقای سبزواری می‌شنیدیم، حرف‌هایی که تا به حال نشنیده بودم. واقعا تا قبل از آن مراسم نکوداشت نمی‌دانستم مفهوم و واژه دوست‌داشتنی «جانباز» را، آنقدر که سبزواری در سروده‌هایش به کار برده، معمول شده است. یکی از سخنرانان در بخشی از مراسم با یادآوری سال‌های فعالیت با حمید سبزواری با خواندن مطلع «خواهرم برادرم ای جانباز، همره دلاورم ای جانباز، ای تو یار و یاورم ای جانباز، نور چشم کشورم ای جانباز.» گفت: سبزواری مفاهیم انقلابی را با سروده‌هایش جا انداخت اگر نه خیلی‌ها حتی پس از انقلاب، محروجان و نقص عضوئی‌های انقلاب و دفاع‌مقدس را «معلول» می‌خواندند. مفهوم «جانباز» را او جا ندادند.

سخنران دیگری گفت انقلاب اسلامی در زمان وقوع خود مانیفست و بیانیه نداشت. بهترین بیانیه آن اما در ادبیات ما و با سرودهای آقای سبزواری خلق شد و اینجاست که قدر شاعر شناخته می‌شود. شاعر که به گفته سزون‌پرس، ادیب فرانسوی، «وجدان نازارم» عصر خویش است، ساکت نیست، بی‌طرف نیست، حرف دارد و حرف می‌زند. این مقدمه کوتاه شاید آغاز مناسبی برای گفتن از دغدغه امروز شاعران این سرزمین است. شاعرانی که شعر را صرفانه برای حال و هوای شخصی که برای دردهای اجتماعی و وقایع هر عصر می‌سرایند. بی‌طرف نیستند و به اصطلاح خودشان تیر هوایی نمی‌زنند! میدان منازعه حق و باطل را همیشه می‌بینند و متعهدانه معتقدند هر روز نبردی است میان حق و باطل. برای شاعران مسلمان ایرانی این مفهوم آشناتر است. پرچم سرخ گنبد اباعبده(ع) نشانه‌ای است براین مبارزه دائمی میان حق و باطل و اینکه هر روز عاشوراست. شاعری چندی پیش غزلش را اینطور به پایان برده بود: «در کربوبلا بی طرفان، بی‌شرفان!د/ تاریخ همان است، حسینی و یزیدی»

و اینگونه است که شعر معاصر این نبرد دائمی را می‌فهمد، آنقدر که در حلقه وصل شاعران متعهد، نه‌تنها بی‌طرفی «فخر» نیست که «تنگ» است.

در شعرهای آیینی و ادبیات انقلاب اسلامی، فراتر از یک «وجدان ناآرام»، شاعران معاصر، خود به‌عنوان کنشگران فضای سیاسی و اجتماعی وارد عمل شده‌اند. این موضوع و شناخت حق و باطل همواره در تائیدات رهبر معظم انقلاب به شاعران، وجود داشته است. ایشان در دیدار ماه مبارک رمضان گذشته با شاعران، می‌گویند: «این را در این جلسه و در خیلی از جلسات دیگر گفته‌ایم. بی‌طرفی در دعوای حق و باطل معنی ندارد. یک وقت دعوای مشتبهی است، آن بحث دیگری است، وقتی که حقی هست و باطلی، اینجا بی‌طرفی معنا ندارد؛ باید طرف حق بود، مقابل باطل ایستاد؛ حالا یکی می‌تواند به شکل نظامی بایستد، یکی به شکل سیاسی بایستد، به اشکال مختلف می‌شود ایستاد، یک نفر هم با زبان، با بیان، با اندیشه می‌تواند بایستد؛ باید ایستاد. شاعر نمی‌تواند در جنگ حق و باطل بی‌طرف باشد. شاعر چنانچه شاعر، هنرمند بی‌طرف بود، تضییع نعمت خدا را کرده. اگر خدای نکرده طرف باطل را گرفت، آن‌وقت خیانت کرده، جنایت کرده. بحث اهمال دیگر نیست، بحث جنایت است. خب، شما ملت‌تان مظلومت‌های زیادی در این سال‌های متمادی داشته، این مظلومیت‌ها گفتن دارد، این برای دنیا منعکس شدن دارد.» شاعران ایران‌زمین نیز البته نشان داده‌اند هیچ‌گاه «پَسز بی‌طرفی» را به «تعهد دینی و عقیدتی» ترجیح نداده‌اند و همواره در جدال همیشه حق و باطل، از سر تکلیف وارد شده‌اند. نه چون روشنفکران زست دیپلماتیک را در شعر پیش گرفتند؛ نه در چاله افراط افتادند. شاعران جوان و البته نامی کشور در کمتر حادثه‌ای هست که میناندر نبوده باشند. آنها شعر را از مد نینداختند و هنوز از تاثیر آن سخن می‌گویند.

محمدمهدی سیار، شاعر ترانه‌های انقلابی که نگاه

گروه فرهنگ و هنر: هنگامی که دربراه موضوعاتی مختلف، اطلاعاتی دقیق و علمی وجود نداشته باشد و زمانی که افرادی غیرمرتبط و غیرمطلع در عرصه فرهنگ و هنر براحتی در این حوزه فعالیت کرده و بدون وجود اطلاعات لازم و کافی قلم بزنند، نتایجی وارونه از اهمیت و اعتبار مفهوم و ارزش سخن و اطلاع‌رسانی رخ می‌دهد و جایگاه والای رسانه را دچار تزلزل می‌کند. در چنین احوالی چه در موضع نقادانه قرار بگیری و چه در مقام دفاع برآیی، نتیجه اثر هیچ ارزشی را به همراه ندارد و حتی در ضدیت با هدف اولیه قرار می‌گیرد. برای نمونه در این میحت مهم می‌توان حکایت این روزهای برخی رسانه‌ها در حوزه فرهنگ و هنر را به میان آورد که بدون وجود کمترین اطلاع از جشنواره‌ای مانند کن چنان شیفته‌وار تیترها و عکس‌های صفحات خود را مزین به نقش و نگاری دلرایی می‌کنند که برای آنها که در این زمینه راهی و نگاهی را طی کرده‌اند، چیزی جز تمسخر باقی نمی‌گذارد و افسوس

حاشیه‌ای بر شعر شاعران درباره «مدافعان حرم»

بیاسعدی از اینجا کن طوافی



بیشتر او را با ترانه «مرگ بر آمریکا» می‌شناسند، در این باره معتقد است: بیان صریح هیچ منافاتی با ماندگاری شعر ندارد. بلکه اگر رخدادهای روز با یک دید عمیق شاعرانه نگریسته شوند و به شعر درآیند همان رخداد منجر به ماندگاری شعر می‌شود. همان‌طور که شعر هم می‌تواند منجر به ماندگاری آن اتفاق خاص شود. البته اینکه رهبری به شعر ظلم‌سستیزانه تاکید می‌کنند را باید جدا از شعربازی‌های فضای مجازی دانست که درباره هر اتفاقی ابیاتی سروده می‌شود که سریع از بین می‌رود. اگر دید شاعرانه و عمیقی پشت سر اشعار مناسبتی وجود نداشته باشد به سرعت آن شعر از بین خواهد رفت. اشعار ظلم‌سستیزانه و واکنش صریح شعرا باید شعر فاخر و ماندگار باشد.

علی محمد مودب، رئیس موسسه شهرستان ادب که فعالیت‌های فراوانی در حوزه جذب و تقویت شاعران جوان صورت داده، معتقد است: جریانی وجود دارد که به سمت شعر بی‌موضع حرکت می‌کند؛ شعری که کاری به حوادث نداشته و حرفی به کسی نمی‌زند. وقت آن رسیده بود به این جریان شعر جوابی داده شود. شاعر اصولا در نسبتش به زمانه‌اش تعریف می‌شود. درست است که این تنوع شعرها که چندان ارتباطی با زمانه‌شان نیز نداشته و سرگرم مهندسی الفاظ و مضامین هستند دارای جذابیت بوده و به تعبیری وجود این جریان شعری نیز خوب است ولی شعر پیشرو شعری است که با زمانه خود و انسان زمان خودش درگیر شده و حرف و موضعی برای آن داشته باشد. شعری که دارای موضع است ممکن است در طول مسیر خود از نظر فنی افت‌هایی داشته باشد ولی اگر عمر یک شاعر را بررسی کنیم متوجه می‌شویم شاعری که ۲۰ یا ۳۰ سال شعر گفته است، اگر نسبت جدی‌ای با حوادث و وقایع زمان خود داشته باشد، شاعر زمانه و پیشرو خواهد بود. مطالعه‌ای کوتاه از جریان رو به رشد شعر آیینی در کشور نشان می‌دهد از ویژگی‌های خاص ادبیات انقلاب محدود نشدن آن به پدیده انقلاب است. پویایی ادبیات و شعر انقلاب این است که در هر واقعه‌ای رسالت خویش را انجام دهد و به نوعی با واکنش‌های سریع که البته از فخر شعر نیز نمی‌کاهد، بتواند به‌عنوان روابط عمومی انقلاب اسلامی مردم و افکار عمومی را جذب کند. شعر شاعرانی است متعهد، از مردم و برای مردم و برای بیان مسائل آنان. این ادبیات، تفننی و خالی از تعهد و تکلیف نیست. عمل به تعهد و تکلیف، نمونه‌های فراوانی در شعر فارسی داشته است.

این روزها مساله مدافعان حرم، یکی از جدی‌ترین وقایعی است که نمی‌تواند جامعه ادبی را درگیر نکند. شاعران نیز در این واقعه بسیار زودتر از دیگران دغدغه‌مندی خود را نشان داده‌اند، به طوری که می‌توان گفت اولین واکنش‌های رسمی به این مساله از سوی شاعران صورت گرفته است و ادبیات «مدافعان حرم» به واسطه همین سروده‌ها در میسان عامه معرفی شده است تا آنجا که در تبلیغات و برنامه‌هایی که برای شهدای مدافع حرم برگزار می‌شود، این شعر شاعران است که سر دست گرفته می‌شود. مدتی قبل و به واسطه اتفاقات «خان طومان» در سوریه، واکنش‌های احساسی

گره، انگار نه انگار به کار افتاده سایه سرکش ما گردن دار افتاده چشم بی‌غیرت اگر سمت «مزار» افتاده صاعقه در نفس ابری خود کاشته‌ایم به سر هر مزه‌ای یک قمه برداشته‌ایم سنگ تکفیر به آئینه مذهب؟ هیبهات! ذوالفقار علی و رحم به مرحب؟ هیبهات! دست خولی طرف معجز زینب؟ هیبهات! ما نمک خورده عشقیم، به زینب سوگند پاسبانان دمشقیم، به زینب سوگند داس تکفیر، گل از ریشه بچیند؟ هرگز! کفر بر سینه توحید نشینند؟ هرگز! مرتقی همسر خود کشته ببیند؟ هرگز! پایتان گر طرف «کربوبلا» باز شود

فراوانی در فضای اجتماعی شکل گرفت. بعد از وقایع خان طومان، یکی از تازه‌ترین و زیباترین اشعار در موضوع مدافعان حرم سروده شد. حامد خاکی، از شاعران آیینی کشور، با توجه به همین موضوع شعر جدید خود را به این شهدای مدافع حرم تقدیم کرد:
تابال و پر باشد کیوتر می‌فرستیم حرف از گذشتن شد اگر، سر می‌فرستیم رد می‌شوند از زیر قرآن پدرها

فرزند را با انن مادر می‌فرستیم این خاک، نوکرهای خوبی پرورش داد از خاک سلمان‌ها، ابودر می‌فرستیم مازندان، قم، یزد، تهران، کهگیلویه عشاق را از کل کشور می‌فرستیم کشتار خان طومان تن ما را نزلاند مشتاق تر سرو و منوبور می‌فرستیم از آن طرف دارند پیکر می‌فرستند از این طرف داریم لشکر می‌فرستیم آن قدرها در بنیمان فهیمده داریم

هرچه بخوای توخوان تر می‌فرستیم در عشق زینب عقل را لازم نداریم دیوانه‌ایم و باز نوکر می‌فرستیم برگشتن با سر که شرط عاشقی نیست سر می‌برند و باز با سر می‌فرستیم من می‌روم تا کار صبرم را بسازند از سنگ صحنش، سنگ قیرم را بسازند شاید یکی از اولین سروده‌ها درباره این موضوع را احمد بابایی در محضر رهبر انقلاب خواند که با تحسین ایشان نیز مواجه شد. این شعر را بیشتر با مصرع «پایتان گسر طرف کربوبلا باز شود…» می‌شناسند. بخش‌هایی از آن را در زیر می‌خوانیم:

می‌زند قهقهه، «القاعه» بر خامی‌شان خون دین می‌چکد از «دولت اسلامی»‌شان بنویسید: تب‌ناخلفی‌ها ممنوع! هدف آزاد شده، بی‌هدفی‌ها ممنوع! در دل «عرش»، ورود سلفی‌ها ممنوع! «عرش» یک روضه فاش است که داغ و گبراست «عرش»… گفتیم که نام دگر سامزاست شرق، در فتنه اصحاب شمال افتادهدست بر رخ غرب، از این حادثه خال افتادهدست وا شده مشت و از این چغیه، عقل افتادهدست! گویی از هرچه که زشتی‌ست، کفی هم کافی‌ست! جهت خشم خدا، یک سلفی هم کافی‌ست!

تا «بهار عربی» روی علف باز کند جبهه در شام و عراق از سه طرف باز کند وای اگر دست کجی پا به «تنج» باز کند! عاشق شیر خدا، وارث شمشیر خداست سینه «سنی و شیعه» سیر شهر خداست لغت خون جگر ماست به روی لبشان کوره دوزخیان، گوشه‌نشین تیشان لهجه عبری و لحن عربی، مکتب‌شان «بیل» را تا به «فرات»، آنچه که بود، آتش زد شک من؟ ما همه را «مکر بپود» آتش زد بی‌جگرها جگر حمزه به دندان گیرند تا با یک کیف در عشق ماندی چه تعافی ز لب قاری قرآن گیرند بیشتر زان که از این قوم، بدی می‌جوشد از زمین غیرت «حجرین عدی» می‌جوشد!

نقدی به ارائه اطلاعاتی وارونه درباره جشنواره فیلم کن

نخل‌های خشکیده!

و دیگر جوایز تحت عنوانی و درجات متفاوتی به بردگان اعطا می‌شود. از این‌رو در بخش اصلی جشنواره کن که اسمال فیلم «فروشنده» ساخته اصغر فرهادی حضور داشت، نشان نخل که بهترین بازیگران زن و مرد اختصاص یافته است به شهاب حسینی داده شد و اصغر فرهادی صاحب جایزه بهترین فیلمنامه شد و نخل طلای ۲۴ عیار بهترین فیلم که مهم‌ترین بخش جشنواره است به کن لوچ، فیلمساز مطرح انگلیسی که در آستانه ۸۰ سالگی است برای فیلم «I, Daniel Blake» تعلق گرفت و نخل طلای بهترین فیلم کوتاه هم به خوانخو زیمینیز برای فیلم «تایم کد» رسید. البته جشنواره کن که فراز و فرودهای بسیاری را در طول تاریخ چه به لحاظ سیاست‌گذاری و چه در شکل اجرایی به خود دیده است، جدا از ۸ جایزه فرانسه صاحب این عنوان دگرپلشانه شد!

تبریک تحلیلی افخمی

به خاطر موفقیت «فروشنده»

مجری برنامه هفت به اصغر فرهادی به خاطر فیلم فروشنده تبریک گفت. به گزارش تسنیم، بهروز افخمی نوشت: «تبریک می‌گویم به آقایان اصغر فرهادی و شهاب حسینی به خاطر موفقیت و درخشش آخرین فیلمشان در جشنواره کن. شهاب حسینی نشان داد آنقدر خوب بازی می‌کند که حتی فرانسوی‌ها می‌فهمند با اینکه زبان فارسی سرشان نمی‌شود و نحو و لحن و ظرافت‌های زیر و بم این زبان بسیار لطیف را دریافت نمی‌کنند. اصغر فرهادی هم با دریافت این جایزه، شیرین کاشت و خودش را در بالاترین سطح فیلمسازی هنری دنیا تثبیت کرد. نکته‌ای که عوام نمی‌دانند و روشنفکران نامودم می‌کنند که نمی‌دانند این است که جشنواره کن غیر از آنکه به فیلم‌های خلاف اخلاق امتیاز مخصوص می‌دهد، نقاط ضعف دیگری هم دارد که به ژست و قمیز فرانسوی‌ها مربوط می‌شود. جشنواره کن هیچ دوست ندارد فیلمسازی را که پیش‌تر به وسیله آمریکایی‌ها کشف شده‌و اسکار گرفته‌تایید کند و جایزه بدهد. فرانسوی‌ها از ۶۰-۵۰ سال قبل که جشنواره کن را به راه انداختند همیشه ادعا داشته‌اند! اغلب فیلمسازان هنری دنیا را خودشان کشف و معرفی کرده‌اند حتی فیلمسازان هنری آمریکایی را از توی آمریکا پیدا کرده‌اند و با جشنواره کن برای اولین بار به دنیا شناسانده‌اند. با این ژست و این قمیز خیلی برای کن زور داشت که فرهادی را بعد از اسکاری که از آمریکایی‌ها گرفته، تحویل بگیرند و در واقع نظر آمریکایی‌ها را تایید کنند. البته فشاری که روی جشنواره کن به خاطر نادیده گرفتن فیلم قبلی فرهادی، یعنی «گذشته» وجود داشت، اینقدر زیاد بود که نمی‌توانستند زیاد مقاومت کنند و مجبور شدند ژست و قمیز عاقل اندر سفیه خودشان را در مقابل آمریکایی‌ها فراموش کنند.»

■ ■ ■

شجاع‌نوری از سینمای ایران رفت

پخش برنامه هفتگی «سینمای ایران» برخلاف ادعاهای ابتدایی چندان مؤثر واقع نشد و تکرار برنامه‌هایی که پیش از این از تلویزیون درباره سینما پخش می‌شد، باعث شد این برنامه سینمایی شبکه ۴ به شکلی بی‌خاصیت روی آنتن برود. به گزارش مهر، طی تغییر و تحولاتی که در این برنامه خواهد بود، قرار است علیرضا شجاع‌نوری، سردبیر و مجری برنامه «سینمای ایران» از آن جدا شود و او رسماً از این برنامه خداحافظی کرد. علیرضا شجاع‌نوری در پاسخ به پرسشی درباره رویکردهای جدید این برنامه گفت: یکشنبه دوم خردادماه به مدیر محترم گروه ادب و هنر شبکه ۴ اعلام کردم دیگر با این برنامه همکاری نخواهم داشت.

■ ■ ■

موضع نویسندگان علیه «ترامپ»

کمیتهی متشکل از ۴۵۰ نویسنده از جمله «استفن کینگ» و «لیدیبا دیویس» برای اعتراض به کاندیداشدن «دونالد ترامپ» در انتخابات آتی آمریکا نامه‌ای سرگشاده‌نوشته‌ند. به گزارش ایسنا، ۴۵۰ نویسنده که در میان آنها برندگان جوایز «پولیتزر» و حلقه منتقدان کتاب ملی آمریکا هم برادر… برو هوادار… برو بی‌مدافع حرم» می‌شود. زهرا راجی به مضمون نذر مدافعان حرم سروده و تقدیم خانواده آنان کرده است: با شوق می‌گویم برایش: همسرم بود محبوب من مجنون زینب(س)، سرورم بود «هگر از نذرهای بی‌خبرم؟» لرزه بر استکان من افتاد سوز بر استخوان من افتاد خنده‌ها از دهان من افتاد آمد انگار خم شود کمرم فکر کردم چرا تو را دارم یادم آمد که نذرها دارم برو مادر… برو هوادار… برو بی‌مدافع حرم»

محمدحسین جعفریان در سروده تقدیمی به شهدای مدافع حرم می‌آورد:
بیاسعدی از اینجاکن طوافی بر این مردان سر بر تن اضافی تو با یک کیف در عشق ماندی دمشق را بر است از این قوافی

و سروده‌های بسیاری که برای خود یک کتاب پر از معنی است، کتابی در تعهد و شرف شعر انقلاب.

در بخش اصلی که شامل نخل طلای بهترین فیلم بلند و کوتاه و نشان نخل بهترین بازیگر مرد و بهترین بازیگر زن و جوایز بهترین فیلمنامه، بهترین کارگردانی، جایزه هیات داوران و جایزه بزرگ هیات داوران است – که پیش از این دربراه‌اش مفصل نوشته‌ایم- در بخش‌های دیگر مانند فیلم اولی‌ها جایزه دوربین طلایی را هم اعطا می‌کند که در این دوره به فیلم فرانسوی «Devines» ساخته هوباد بیامینا رسید. البته در این جشنواره که لقب مهم‌ترین فستیوال هنری جهان را داشته و هر ساله به بهانه برگزاری‌ش، گردشگران بسیاری را در کن شهری واقع در فرنج ریویور را جنوب فرانسه به خود می‌بیند، جوایز پرشش‌برانگیز دیگری به شکلی کم‌سر و صداتر از جوایز اصلی با برچسب‌های مشخص موضوعی هم داده می‌شود که نمایانگر دیدگاه‌های بر گزار کنندگان آن است؛ جوایزی مانند «نخل سگ» و «نخل دگرپاشی» که اسمال فیلم «زندگی‌های ترز» ساخته سیاست‌ن لیفشیتس از فرانسه صاحب این عنوان دگرپلشانه شد!